



نظام واژه‌های خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

مهرزاد منصوری^۱

شفق رحماتی^۲

چکیده

اصطلاحات خویشاوندی اصطلاحاتی هستند که مردم در خطاب یا در غیاب خویشاوندان در ضمن صحبت و در اشاره به آنها به کار می‌برند. این اصطلاحات علاوه بر اینکه شاخص مناسبی در مطالعات جامعه‌شناختی به حساب می‌آیند، به لحاظ ساختار واژگانی و معنایی نیز مورد توجه زبان‌شناسان می‌باشند. در این پژوهش، اصطلاحات و واژگان خویشاوندی بیش از پنجاه گویش از سراسر ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اکثر گویش‌های مورد مطالعه از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند؛ ولی در تعدادی از آنها، تفاوت‌هایی هر چند اندک وجود دارد که جالب توجه است. در این پژوهش، ساخت واژه‌های خویشاوندی از لحاظ ساده یا ترکیبی بودن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در تمامی گویش‌ها، خویشاوندان درجه اول (پدر، مادر، خواهر و برادر) واژگان ساده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند و سایر خویشاوندان هر کدام برحسب نقش یا اهمیت، دارای واژگانی ساده یا ترکیبی هستند. داده‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهند که اصطلاحات خویشاوندی در گویش‌های ایرانی اگرچه به لحاظ ساختار اصلی از الگوی کم و بیش مشابهی پیروی می‌کنند، ولی به لحاظ نوع واژه از تنوع قابل توجهی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحات اشاره و خطاب، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گویش‌شناسی.

✉ mans1252000@yahoo.com

✉ saviz_20@yahoo.com

۱- دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شیراز

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ازفا دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۳/۱۳

مقدمه

واژگان زبان بازتابی از فرهنگ مردمی هستند که به آن زبان صحبت می‌کنند. بر همین اساس نظام خویشاوندی هر جامعه نیز در واژگان خویشاوندی آن منعکس می‌شود و این یکی از دلایل ابراز علاقه‌ی مردم‌شناسان و زبانشناسان به مطالعه‌ی واژگان خویشاوندی است. اصطلاحات خویشاوندی، اصطلاحاتی هستند که مردم در خطاب یا در غیاب خویشاوندان در ضمن صحبت و در اشاره به آنها به کار می‌برند (بی‌تس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۴۸۰). این اصطلاحات را می‌توان به گونه‌های مختلف و براساس کاربرد کلمات ساده و مرکب و نوع کاربرد آنها به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. پژوهش حاضر به مطالعه‌ی ساختاری اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی می‌پردازد. در این پژوهش بخشی از واژگان گویش‌ها که در حیطه‌ی روابط خویشاوندی است، مورد بررسی قرار می‌گیرند. تاکنون مردم‌شناسان مطالعات زیادی در خصوص اصطلاحات خویشاوندی انجام داده‌اند. اما در خصوص مطالعات زبانشناختی در این حوزه مطالعات انجام شده پراکنده به نظر می‌رسد. اهمیت این پژوهش می‌کوشد تا با مطالعه گستره نسبتاً وسیعی از گویش‌های مورد بررسی اصطلاحات خویشاوندی در گویش‌های ایرانی را از لحاظ زبان‌شناختی مورد بررسی قرار دهد.

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و مصاحبه انجام شده است. به این صورت که پس از بررسی منابع کتابخانه‌ای صورتی از واژگان خویشاوندی تنظیم و از گویش‌وران هر گویش خواسته شده است تا به هر مورد با توجه به واژه مورد استفاده پاسخ دهند. پس از گردآوری، داده‌های به دست آمده به لحاظ صورت ساختواژی و همچنین روابط خویشاوندی تنظیم و تقسیم‌بندی لازم صورت گرفته است.

پس از گردآوری داده‌ها لغات از لحاظ بنیادی یا ترکیبی بودن مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند. همچنین با توجه به تقسیم‌بندی شش‌تایی نظام روابط خویشاوندی، گروه اصطلاحات خویشاوندی هر گویش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تفاوت‌ها و تشابهات در الگوی نظام خویشاوندی و همچنین تنوع واژگانی در گستره‌ی جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است.

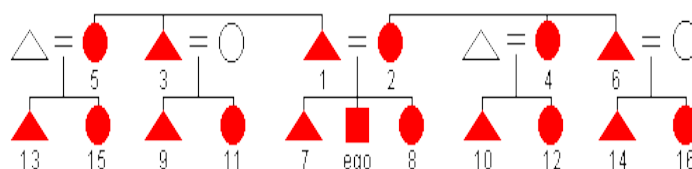
نظام اصطلاحات خویشاوندی (مبانی نظری پژوهش)

باطنی (۱۳۷۰) اصطلاحات خویشاوندی را از نظر ریخت‌شناسی (مورفولوژی) به دو دسته‌ی بنیادی و ترکیبی تقسیم می‌کند. از نظر وی، طبقه‌ی بنیادی اصطلاحاتی را دربرمی‌گیرد که از یک واژه‌ی بسیط و یک صفت (بدون اضافه در بین آنها) ساخته شده‌اند، مانند «پدر»، و «پدربزرگ». طبقه‌ی ترکیبی نیز اصطلاحاتی را دربرمی‌گیرد که از به هم پیوستن دو یا چند اصطلاح بنیادی ساخته شده‌اند. اصطلاحات خویشاوندی از لحاظ رده‌شناسی زبان‌ها برحسب اینکه از چه الگویی استفاده می‌کنند، به گونه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها توسط مردم‌شناسی به نام مورگان (۱۸۷۱) صورت گرفته است. وی زبان‌ها را به شش دسته تقسیم می‌کند، که عبارتند از:

۱. سودانی، ۲. هاوایی، ۳. اسکیمو، ۴. ایرکوا، ۵. اوماها، ۶. کراو

الگوی سودانی

براساس الگوی سودانی واژگان خویشاوندی جداگانه‌ای برای هر کدام از خویشاوندان به کار می‌رود. در این نظام، برای شانزده رابطه خونی هم‌نسل یک شخص و روابط هم‌نسل والدینش اصطلاحات جداگانه‌ای وجود دارد. در این نظام، برای برادران پدر، خواهران پدر، برادران مادر و خواهران مادر اصطلاح‌های جداگانه‌ای وجود دارد. فرزندان مذکر و مؤنث هر یک از این خویشاوندان نیز با اصطلاح‌های جداگانه‌ای شناخته می‌شوند. نمودار زیر نشان‌دهنده‌ی نظام اصطلاحات خویشاوندی سودانی است.



شکل ۱. الگوی خویشاوندی سودانی

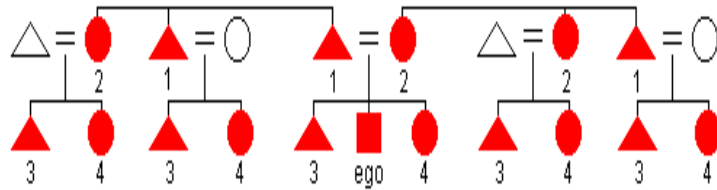
▲ مذکر
● مؤنث
■ خویشتن (Ego): فردی که (بدون در نظر گرفتن جنسیت) به عنوان نقطه‌ی ارجاع مرکزی به کار گرفته می‌شود.

— | رابطه والدین - فرزند
— — رابطه فرزندان

الگوی هاوایی

الگوی دیگری که در این نظام ارائه شده است، الگوی هاوایی می‌باشد. الگوی هاوایی کمترین میزان توصیفی بودن را داراست و تعداد زیادی از خویشاوندان در دسته‌های کوچک ادغام می‌شوند. در این الگو، تنها براساس جنسیت و نسل بین خویشاوندان تمایز وجود دارد. بنابراین، واژه‌ی مجزایی برای برادرپدر یا برادرمادر وجود ندارد و هر دو در یک مقوله‌ی پدر می‌گنجد. فرزندان برادر و خواهر والدین نیز همگی در یک گروه با عنوان برادر یا خواهر دسته‌بندی می‌شوند. شکل (۲) نمودار این الگو را نشان می‌دهد.

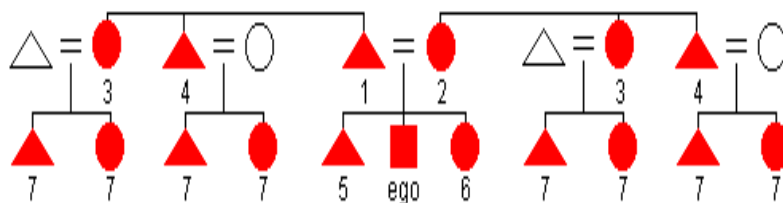
1. Sudanese
2. Hawaiian
3. Eskimo
4. Iroquois
5. Omaha
6. Crow



شکل ۲. الگوی خویشاوندی هاوایی

الگوی اسکیمو

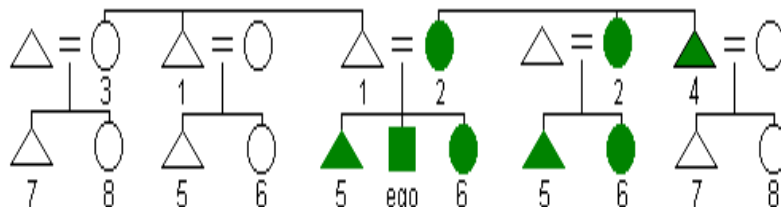
الگوی اسکیمو نیز از برخی جهات کاملاً توصیفی به حساب می‌آید. در این نظام گرچه اصطلاح جداگانه‌ای برای مادر، پدر و خواهر و برادر وجود دارد که قابل اطلاق به سایر خویشاوندان نیستند، اما تمایزی میان خویشاوندان پدری و مادری وجود ندارد و برای خواهران مادر و پدر (عمه، خاله) یک اصطلاح کلی و برای برادران مادر و پدر (دایی، عمو) نیز یک اصطلاح کلی دیگر به کار می‌رود. به علاوه، یک اصطلاح خاص (مانند cousin) همه‌ی فرزندان عموها، دایی‌ها، عمه‌ها، خاله‌ها را شامل می‌شود، بدون آنکه بچه‌های مذکر و مؤنث از هم تمیز داده شوند و خویشان پدری از خویشان مادری متمایز گردند. زبان انگلیسی در دسته‌ی نظام اسکیمویی جای می‌گیرد. شکل (۳) نمودار این الگو را نشان می‌دهد.



شکل ۳. الگوی خویشاوندی اسکیمو

الگوی ابرکوا

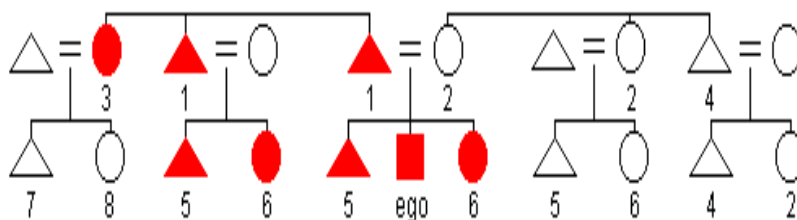
الگوی دیگری که در نظام رده‌بندی اصطلاحات خویشاوندی مطرح است، الگوی ابرکوا می‌باشد. در الگوی ابرکوا اصطلاح مورد استفاده برای پدر و برادرپدر (عمو) یا مادر و خواهرمادر (خاله) یکی است. بنابراین فرزندان برادرپدر، و فرزندان خواهرمادر (که اصطلاحاً خویشان موازی نامیده می‌شوند) برادر و خواهر نامیده می‌شوند. فرزندان خواهران پدر و فرزندان برادران مادر اصطلاح جداگانه‌ای دارند. نمونه‌ای از این نظام، اصطلاحات خویشاوندی یانومامو (زبانی در مرز بین برزیل و ونزوئلا) هستند. شکل (۴) نمودار این الگو را ترسیم می‌کند.



شکل ۴. الگوی خویشاوندی ایرکوا

الگوی اوماها

الگوی دیگری که در خصوص نظام خویشاوندی مطرح است، الگوی اوماها می‌باشد. این الگو به جهات بسیاری شبیه ایرکواست. در این الگو، دسته‌بندی یکسانی برای پدر، برادرپدر (عمو) و برادر وجود دارد. در این نظام، اصطلاحات مورد استفاده برای فرزندان عمو، عمه، دایی و خاله واژه‌های متفاوت وجود دارد. خویشان موازی، برادر و خواهر محسوب می‌شوند، اما در مورد خویشان متقاطع تفاوت وجود دارد. در اشاره به پسر برادرپدر (پسر دایی) و برادرپدر از یک کلمه استفاده می‌شود و همچنین واژه‌ی مورد استفاده برای دختر برادر مادر (دختر دایی) و مادر یکی است. اصطلاحات اوماها در جوامعی به کار می‌روند که در ساختار آنها تأکید صریحی بر دودمان پدری وجود دارد. به همین صورت، در این نظام برادران، پسران برادران پدر و پسران خواهران مادر را تحت یک اصطلاح و خواهران، دختران برادران پدر و دختران خواهر مادر را تحت یک اصطلاح دیگر گروه‌بندی می‌کنند. فرزندان زنان و مردانی که خویشان آنها را «پدر» و «مادر» می‌خواند، مطلقاً بایستی «برادر» و «خواهر» نامیده شوند. اصطلاحات خویشاوندی دنی (که جزو زبان‌های گینه‌نو است) در این نظام قرار می‌گیرند. شکل (۵) ارتباط و نامگذاری اعضای این الگو را نشان می‌دهد.

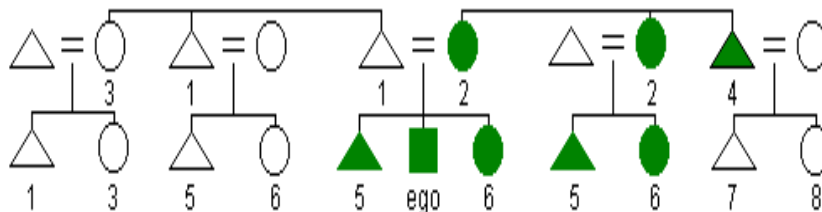


شکل ۵. الگوی خویشاوندی اوماها

الگوی کراو

آخرین الگویی که در تقسیم‌بندی مورد بحث مطرح است، الگوی کراو می‌باشد. کراو معمولاً در جوامعی با تأکید شدید بر دودمان مادری به کار برده می‌شود. در این الگو، پسرخواهرپدر (پسرعمه) و پدر دارای واژگان یکسانی هستند، و دخترخواهرپدر (دخترعمه) با خواهرپدر (عمه) واژگان مشترکی دارند. نظام خویشاوندی کراو کاملاً بر عکس نظام خویشاوندی اوماها است. در این نظام، همه‌ی اعضای مذکر گروه خویشاوندی پدر تحت

یک اصطلاح و همه‌ی اعضای مؤنث همین گروه تحت یک اصطلاح دیگر گروه‌بندی می‌شوند، بی‌آنکه که میان نسل‌های مختلف تمایزی تشخیص داده شود. اصطلاحات خویشاوندی آکان (زبانی که در غنا و ساحل عاج بدان صحبت می‌کنند) نمونه‌ای از این نظام خویشاوندی است.



شکل ۶. الگوی خویشاوندی اوماها

پیشینه‌ی تحقیق

یکی از قدیمی‌ترین و وسیع‌ترین پژوهش‌های انجام شده بر روی نظام‌های خویشاوندی مربوط به لوئیس هنری مورگان مردم‌شناس آمریکایی است که نخستین توصیف و تحلیل نظام‌مند از نظام خویشاوندی را ارائه داده است. او نخستین گونه‌شناسی نظام‌های خویشاوندی را ابداع کرد و با تألیف اثر ماندگار خود «نظام همخونی و وصلت خانوادگی انسانی»^۱ (۱۸۷۱)، خویشاوندی را به‌سان یک موضوع اصلی انسان‌شناسی تعریف کرد. وی نظام خویشاوندی را در جوامع سرخپوستان آمریکایی مورد بررسی قرار داده است، و به‌طور کلی دو نوع خویشاوندی را برای ملل مختلف قائل می‌شود که عبارتند از توصیفی ورده‌بندی. نظام توصیفی میان زبان‌های آریایی، سامی و اورالی رایج است که در آنها خویشاوندان طبقه‌بندی نمی‌شوند، مگر خویشاوندان دور، که طبق نظام عددی طبقه‌بندی می‌شوند. توصیف خویشان جانبی غالباً با اضافه کردن یا ترکیب واژگان اصلی (مانند مادر، پدر، خواهر، برادر، دختر، پسر) صورت می‌گیرد. در این الگو، میان خویشاوندان خطی و جانبی تفاوت قائل می‌شوند و پدر و عمو با یک لفظ مشترک تعریف نمی‌شوند. بنابراین، در این زبان‌ها هر رابطه‌ای مستقل و متمایز است. اما در خانواده‌های دیگری مانند تورانی، سرخپوستان آمریکا، مالایی و گانوائی توصیف وجود ندارد و هر کدام از افراد یک طبقه با یک اصطلاح مشترک شناخته می‌شوند. در این نظام، الفاظ مشابهی برای خویشاوندان خطی و جانبی به‌کار می‌برند. برای پدر و عمو، خاله و مادر و ... الفاظ مشترکی به‌کار می‌برند (مور، ۱۳۸۹: ۴۲). شش نظام کلی اصطلاحات خویشاوندی نیز که پیش از این ذکر گردید، توسط مورگان ارائه شده است.

بیتس و پلاگ (۱۳۷۵) در فصل دوازده کتاب *انسان‌شناسی فرهنگی* با عنوان «خویشاوندی، زناشویی و سازمان خانوار» بخشی از پژوهش خود را به اصطلاحات خویشاوندی اختصاص داده‌اند. بیتس و پلاگ در یک بررسی اجمالی، خویشاوندی در میان قوم یانومامو را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در میان افراد این قوم در

1. Systems of Consanguinity and Affinity of the Human Family

چهارچوب یک نسل خاص، همه‌ی اعضای یک گروه خویشاوندی، همدیگر را «برادر» و «خواهر» صدا می‌زنند که این خود انعکاسی از ممنوعیت زناشویی در میان آنهاست. پس از این مباحث معیارهای طبقه‌بندی خویشاوندان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این طبقه‌بندی، خویشاوندان همخون، سببی و ساختگی قرار دارند. نخستین و مهم‌ترین خویشاوندان، خویشاوندان همخون‌اند که به گونه‌ای مادرزادی با هم ارتباط دارند. برادران و خواهران، مادر و پدر، برادران و خواهران پدر و مادر و فرزندانشان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و برادران و خواهران آنها، بخشی از، و نه همه‌ی خویشاوندان همخون هر شخصی را تشکیل می‌دهند. بنا به تعریف بی‌تس و پلاگ، خویشاوندان سببی آنهایی‌اند که از طریق ازدواج با هم ارتباط دارند. همسر و خویشاوندان همسر و نیز همه‌ی همسران متعلق به خویشاوندان همخون هر فرد، خویشاوندان سببی او را تشکیل می‌دهند. بی‌تس و پلاگ آن دسته از افراد غیرخویشاوند را که به درون خانواده پذیرفته می‌شوند و با اصطلاحات خویشاوندی خاصی مورد خطاب قرار می‌گیرند خویشاوندان ساختگی می‌نامند، مانند «عمو» و «خاله» نامیدن دوستان صمیمی والدین. مثال دیگر خویشاوندان ساختگی که بی‌تس و پلاگ نام می‌برند خواهران و برادران «رضاعی» یا شیریه هستند. معیارهای نامبرده شده معیارهای پیشنهادی بی‌تس و پلاگ هستند و آنها معتقدند در هر جامعه‌ای معیارهای محدودی برای طبقه‌بندی خویشاوندان به کار می‌رود که لزوماً با معیارهای جوامع دیگر یکسان نیستند. به نظر آنها بیشتر جوامع بشری بر مبنای جنسیت خویشاوندان را متمایز می‌سازند و اصطلاحات گوناگونی را برای خویشاوندان مذکر و مؤنث به کار می‌برند. بی‌تس و پلاگ همچنین در این کتاب شش نظام بنیادی طبقه‌بندی خویشاوندان را توضیح داده‌اند. اگرچه این پژوهش در حوزه‌ی انسان‌شناسی قرار دارد، ولی می‌توان از نتایج آن در تحقیقات زبان‌شناسی نیز بهره برد.

ترادگیل (۱۹۸۳) با پژوهشی در خصوص اصطلاحات خویشاوندی به رابطه‌ی میان زبان، فرهنگ و تفکر پرداخته است. وی معتقد است بازتاب سامانه‌ی روابط خویشاوندی یک جامعه را می‌توان در واژگان خویشاوندی به کار رفته در آن مشاهده نمود. به گفته‌ی ترادگیل می‌توان فرض نمود که نسبت‌های خویشاوندی مهم‌تر در کشورهای انگلیسی‌زبان آنهایی هستند که با یک واژه‌ی مشخص و واحد مورد اشاره قرار می‌گیرند. تمایز رابطه‌هایی که به نظر می‌رسد در فرهنگ گویشوران زبان انگلیسی اهمیت چندانی ندارند، رابطه‌هایی هستند که با یک واژه مشترک به کار می‌روند یکی از این موارد، عدم تمایز میان خاله و عمه است که در این زبان هردوی این نسبت‌ها با یک واژه یعنی aunt به کار می‌روند. از نظر ترادگیل، عدم وجود دو واژه‌ی جداگانه برای این دو نسبت نشان می‌دهد که این تمایز اساساً برای انگلیسی‌زبانان چندان مهم نیست.

وارداف (۱۹۹۰) به رابطه‌ی بین زبان و فرهنگ می‌پردازد که نظام‌های خویشاوندی را نیز در این مقوله مورد بررسی قرار داده است. او در مورد اصطلاحات خویشاوندی این‌گونه بیان می‌کند که نظام‌های خویشاوندی از جمله ویژگی‌های جهانی تمام زبان‌ها هستند، اما همگی در عواملی مانند جنسیت، سن، نسل، هم‌خونی و ازدواج مشترک هستند وارداف نیز خاطر نشان می‌کند که تغییر شرایط اجتماعی می‌تواند باعث تغییر نظام‌های خویشاوندی شود. بحث واژگان خویشاوندی نشان می‌دهد که نظام‌های طبقه‌بندی در زبان و جامعه از اهمیت زیادی برخوردارند.

السهبانی و الحسینی (۲۰۱۰) به مقایسه‌ی اصطلاحات خویشاوندی زبان عربی و انگلیسی پرداخته‌اند. آنها از دسته‌بندی اصطلاحات خویشاوندی توسط مورگان (۱۸۷۱) نام می‌برند که به دو دسته‌ی توصیفی و رده‌بندی تقسیم شده است. نظام زبان عربی، بر خلاف زبان انگلیسی، کاملاً توصیفی است و برای هر کدام از خویشاوندان واژه‌ی متمایزی به کار می‌برد. گستردگی روابط خویشاوندی و همچنین توصیفی بودن نظام اصطلاحات خویشاوندی زبان عربی، اهمیت آن را از لحاظ زبانی خاطر نشان می‌کند. در این پژوهش، در مقایسه‌ی بین اصطلاحات خویشاوندی زبان عربی و زبان انگلیسی، این نتیجه به دست آمده است که زبان انگلیسی هیچ‌گونه نشانه‌ی واژگانی و یا نحوی برای تمایز بین جنسیت قائل نمی‌شود، در حالی که در عربی نشانه‌های نحوی بارزی برای تمایز گذاری بین مذکر و مؤنث وجود دارد.

باطنی (۱۳۷۸) همچنین با توجه به حوزه‌های معنایی مختلف واژگان، روابط خویشاوندی را مورد بررسی قرار داده است. وی اذعان می‌کند که بنیاد تجربی این حوزه محسوس و مجزاست، زیرا افرادی که کلمات به آنها اشاره می‌کنند هم وجود خارجی دارند و هم مجزا و منفرد از یکدیگر هستند. باطنی تقسیم‌بندی حوزه‌ی روابط خویشاوندی در زبان فارسی را در مقایسه با انگلیسی ظریف‌تر می‌داند. به عبارت دیگر بعضی خصوصیات که در برش معنایی زبان مهم تلقی نشده‌اند، در زبان فارسی با اهمیت تلقی شده‌اند و در نتیجه واژه‌های بیشتری برای بیان آنها اختصاص داده شده است.

دهقانی (۲۰۰۹) مشکلات ترجمه‌ی واژگان فرهنگی را در زبان‌های فارسی، آذری و انگلیسی مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، سه دسته از واژگان فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند: الف) اصطلاحات خوشامدگویی^۱، ب) واژگان احترام آمیز^۲، ج) واژگان خویشاوندی^۳. پژوهشگر معتقد است آشنا نبودن مترجم با این واژگان فرهنگی خطر ترجمه‌ی لفظ به لفظ را در پیش دارد.

زاهدی (۱۳۸۸) واژگان خویشاوندی در دو زبان فارسی و انگلیسی را به منظور یافتن رابطه میان الگوهای فکری، فرهنگی و نمودهای زبانی آنها مورد بحث و بررسی قرار داده است. این پژوهش از یک سو به بررسی واژگان خویشاوندی در زبان فارسی و مقایسه‌ی آن با واژگان خویشاوندی در زبان انگلیسی می‌پردازد و از سوی دیگر به بررسی روابط هم‌نشینی از نوع واژگانی می‌پردازد که بسیاری از جنبه‌های دیدگاه‌های مختلف در این دو زبان به واژه‌های خویشاوندی و یا واژه‌هایی که به نوعی به جنسیت مربوط است را آشکار می‌نماید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت، ابتدا واژه‌ها و اصطلاحات خویشاوندی در قالب الگوی شش‌گانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و میزان پراکندگی آنها نیز نشان داده شده است. در بخش دوم نیز به ساختار واژه‌های خویشاوندی در نسل‌های دورتر که در الگوهای شش‌گانه مورد نظر قرار نگرفته است، می‌پردازد. در بخش

1. Greeting Terms
2. Politeness Terms
3. Kinship Terms

سوم این قسمت ردیابی واژه‌های ساده به‌عنوان معیاری برای میزان اهمیت و ارجاع در روابط خویشاوندی مورد نظر قرار گرفته است.

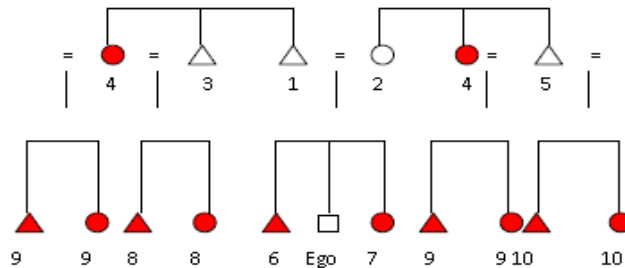
الگوهای واژه‌های خویشاوندی در گویش‌های ایرانی

در این پژوهش، همچنان که در بند ۱ اشاره شد، بیش از پنجاه گویش و زبان از زبان‌های داخل ایران مورد مطالعه قرار گرفته است. به منظور معرفی میزان پراکندگی زبان‌ها و گویش‌های مورد مطالعه در این پژوهش، آنها را به صورت شکل (۷) نشان داده شده است.



شکل ۷. پراکندگی گویش‌های مورد مطالعه

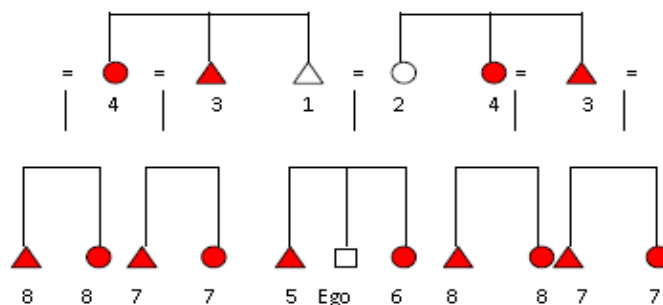
همان‌طور که پیش از این ذکر شد، شش نظام اصطلاحات خویشاوندی شناخته شده است که عبارتند از سودانی، هاوایی، اسکیمو، ایرکوا، اوماها و کراو. بیتس و پلاگ (۱۳۷۵) اصطلاحات خویشاوندی زبان فارسیرا در دسته‌ی نظام سودانی جای داده‌اند. نظام سودانی بسیار توصیفی است و برای هرکدام از خویشاوندان واژه‌ی جداگانه‌ای دارد. داده‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که اکثر این گویش‌ها به‌طور کامل از این الگو پیروی می‌کنند، اما تعدادی از گویش‌های ایرانی به‌طور کامل مطابق با این الگو نیستند و در برخی اصطلاحات تفاوت دارند. این گویش‌ها عبارتند از: بلوچی، ترکمنی، لکی، کردی (قروه، هورامی، کرمانشاه، ایلام، دهلران، سورانی، مهاباد). تفاوت الگوهای خویشاوندی در گویش‌های نامبرده در نمودارهای زیر نشان داده شده است. در گویش‌های کُردی و لکی، نمودار اصطلاحات خویشاوندی را می‌توان به صورت نمودار (۸) نشان داد:



شکل ۸. نمودار اصطلاحات خویشاوندی کردی و لکی

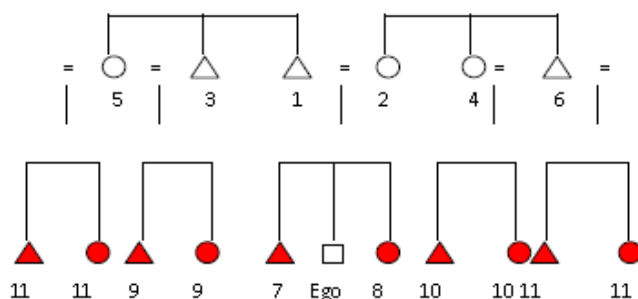
در نمودار بالا هر کدام از اعداد نشان‌دهنده‌ی یک واژه‌ی مستقل هستند. اعداد تکراری نشان‌دهنده‌ی وجود واژه‌های تکراری، یعنی وجود یک واژه‌ی مشترک برای دو یا چند رابطه‌ی خویشاوندی هستند. عدد ۴ که دوبار تکرار شده است نشان‌دهنده‌ی وجود یک واژه برای اشاره به خواهرِ مادر (خاله) و خواهرِ پدر (عمه) در گویش‌های مختلف کُردی و گویش لکی است. از آنجایی که برای این دو رابطه تنها یک واژه استفاده می‌شود، برای فرزندان آنها نیز واژگان مشترکی وجود دارد. عدد ۹ نشان‌دهنده‌ی واژگان مربوط به فرزندان خاله و عمه، و عدد ۸ نشان‌دهنده‌ی واژگان مربوط به فرزندان عمو است. عدد ۱۰ نیز فرزندان دایی را شامل می‌شود. اشکال توپُر در نمودار نشان‌دهنده‌ی تفاوت الگوی نظام خویشاوندی در گویش‌های مربوطه، با نظام اصطلاحات خویشاوندی سودانی است. در این گویش‌ها فرزندانِ خواهران و برادرانِ والدین بدون تمایز جنسیت مورد اشاره قرار می‌گیرند، از این‌رو این هشت رابطه به سه رابطه کاهش می‌یابد.

نمودار نظام اصطلاحات خویشاوندی بلوچی با نموداری که در بالا دیده می‌شود، تفاوت‌هایی دارد؛ چرا که در زبان بلوچی علاوه بر خواهرِ مادر (خاله) و خواهرِ پدر (عمه) که دارای واژه‌ی مشترکی هستند، برادرِ مادر (دائی) و برادرِ پدر (عمو) نیز واژه‌ی مشترکی دارند. این تفاوت باعث وجود تفاوت در الگوی خویشاوندی نیز می‌شود، که در زیر نشان داده شده است:



شکل ۹. نمودار اصطلاحات خویشاوندی بلوچی

در زبان بلوچی، همچنان که اشاره شد واژه‌ی مورد استفاده برای برادرِ مادر (دایی) و برادرِ پدر (عمو) یکی است، و همچنین برای خواهرِ مادر (خاله) و خواهرِ پدر (عمه) از یک واژه استفاده می‌شود. فرزندان این افراد نیز بدون تمایز جنسیت مورد اشاره قرار می‌گیرند. بنابراین برای هشت رابطه، در این گویش تنها از دو واژه استفاده می‌شود؛ چرا که علاوه بر بی‌اعتنا بودن این گویش نسبت به جنسیت این فرزندان، نسبت به پدری یا مادری بودن آنها نیز تمایزی وجود ندارد. عدد ۳ برای دایی و عمو، و عدد ۴ برای خاله و عمه به کار رفته است. بدین ترتیب اعداد ۷ در نمودار نشان‌دهنده‌ی فرزندان عمو و دایی، و اعداد ۸ مربوط به فرزندان خاله و عمه هستند. شکل (۱۰) با الگوی زیر واژگان خویشاوندی گویش ترکمنی را نشان می‌دهد.



شکل ۱۰. نمودار اصطلاحات خویشاوندی ترکمنی

در ترکمنی، در نسل اول، تفاوتی با الگوی سودانی وجود ندارد، اما در نسل دوم واژه‌های مشترکی برای فرزندان عمه و دایی وجود دارد. به علاوه، در این گویش فرزندان خاله، عمه، دایی و عمو بدون تمایز جنسیت مورد اشاره قرار می‌گیرند.

بیتس و پلاگ در الگوی سودانی از شانزده نفر از خویشاوندان خونی هم‌نسل با خویشان و والدین نام برده‌اند. همان‌طور که نمودارهای مربوط به گویش‌های ایرانی نشان می‌دهد، در برخی از گویش‌ها به دلیل وجود واژه‌های تکراری برای افراد مختلف، این شانزده واژه کاهش می‌یابند. هرچند اکثر گویش‌های ایرانی دارای ۱۶ واژه هستند، ولی در میان آنها مواردی وجود دارد که واژه‌های آنها به ۱۲، ۱۱ و ۸ کاهش یافته است. پراکندگی گویش‌ها بر این اساس در نقشه‌ی زیر (شکل ۱۱) نشان داده شده‌اند:





شکل ۱۱. پراکندگی تعداد واژگان خویشاوندی

با دقت در نقشه بالا می‌توان دریافت که به‌جز مناطق حاشیه‌ای در غرب و جنوب شرق کشور الگوی سودانی با ۱۶ واژه الگوی اصلی زبان‌های ایرانی می‌باشند و مناطق جنوب شرق، شمال غرب و بخشی از شمال نیز از این الگو پیروی نمی‌کنند.

تحلیل ساختاری واژه‌های خویشاوندی خارج از الگو (بیش از دو نسل)

آنچه که در بالا تحت عنوان الگوهای حاکم بر اصطلاحات خویشاوندی مورد بررسی قرار گرفت، براساس الگوهای ارائه شده توسط مورگان (۱۸۷۱) بود. در الگوهای ارائه شده دسته‌ی محدودی از اصطلاحات مورد استفاده قرار گرفته‌اند، که شامل خویشاوندان نسبی دو نسل می‌شوند؛ اما در بررسی اصطلاحات خویشاوندی گویش‌های ایرانی می‌توان واژه‌های بیشتری را مورد استفاده قرار داد. این پژوهش علاوه بر خویشاوندان نسبی، خویشاوندان سببی و همچنین نسل‌های بیشتری را مورد مطالعه قرار داده است. در ادامه، به بررسی سایر واژگان خویشاوندی گویش‌های ایرانی پرداخته می‌شود.

در گویش‌های مختلف، الگوهای ثابتی در اشاره به خویشاوندان مختلف وجود ندارد. مثلاً در زبان فارسی معیار معمولاً بین پدربزرگ و مادربزرگ پدری و مادری تفاوتی وجود ندارد. اما در برخی از گویش‌ها این تمایز وجود دارد. بر این اساس، در گویش‌های مختلف ممکن است برای روابط مختلف خویشاوندی واژگان متمایزی وجود داشته باشد که نمونه‌های آن در زیر آمده است:

تمایز پدربزرگ و مادربزرگ پدری از مادری:

در گویش‌هایی مانند کرمانی، خاورانی، مَه‌ری، اصفهانی، یزدی، اراکی، گراشی، نطنزی، فرامرزانی، ساری، خنجی، ترکمنی برای هرکدام از پدربزرگ و مادربزرگ پدری و مادری واژگان جداگانه‌ای به کار می‌رود. مثال (۱) تمایز این دو را در گویش کرمانی نشان می‌دهد.

$\left. \begin{array}{l} \text{پدری: /nan-bābā/} \\ \text{مادری: /nan-jān/} \end{array} \right\}$	مادربزرگ	$\left. \begin{array}{l} \text{پدری: /bāšu/} \\ \text{مادری: /ʔāq-bābā/} \end{array} \right\}$	پدربزرگ
---	----------	--	---------

تمایز سنی خواهر و برادر

ترتیب سنی خواهر و برادر در برخی از گویش‌های مورد مطالعه، یکی از شاخص‌هایی بوده است که عامل وجود واژگان متمایز است. در گویش‌هایی همچون لاری، فرامرزانی، سرخه‌ای، سمنانی، مَه‌ری، همدانی، ساری، گیلکی، بهدینانی یزد، خوری، دوانی و ترکمنی این الگو قابل مشاهده است. مثال (۲) تمایز این دو را در گویش لاری نشان می‌دهد.

$\left. \begin{array}{l} \text{بزرگتر: /dādā/} \\ \text{کوچکتر: /xongü/} \end{array} \right\}$	خواهر	$\left. \begin{array}{l} \text{بزرگتر: /kākā/} \\ \text{کوچکتر: /berāsü/} \end{array} \right\}$	برادر
--	-------	---	-------

فرزندان خواهر و برادر

در زبان فارسی معیار، برای فرزندان خواهر و برادر از واژگان «خواهرزاده» و «برادرزاده» استفاده می‌شود. اما در برخی از گویش‌ها، این افراد با تمایز جنسیت مورد اشاره قرار می‌گیرند. این گویش‌ها عبارتند از: ترکی (زنجان، کیودرآهنگ، درگز، تبریز)، ترکی قشقایی، بختیاری، لری (ممسنی، یاسوج، بهمئی)، بندر گناوه، جروق، تاتی و سمنانی. مثال (۳) تمایز این دو را در گویش سمنانی نشان می‌دهد.

$\left. \begin{array}{l} \text{دختر: /xuwākarziyā/} \\ \text{پسر: /xuwākarziya/} \end{array} \right\}$	خواهرزاده	$\left. \begin{array}{l} \text{دختر: /berārziyā/} \\ \text{پسر: /berārziya/} \end{array} \right\}$	برادرزاده
--	-----------	--	-----------

تمایز نوه پسری و نوه دختری

در گویش‌هایی مانند کردی (قروه، هورامی، کرمانشاه، سورانی، ایلام)، گیلکی، ترکی (درگز، کبودآهنگ، گرمی)، لری (خرم‌آباد، بهمئی)، تاتی، تالشی، مازندرانی، سنگسری، سمنانی و فرامرزاری نوه‌ی پسری و دختری با واژگان جداگانه‌ای مورد اشاره قرار می‌گیرند. مثال (۴) تمایز آن‌ها در گویش تالشی نشان می‌دهد.

(۴)

/zua nava/ پسری:	}	نوه
/kela nava/ دختری:		

تمایز جنسیت در نامزد

در معدودی از گویش‌های مورد مطالعه، جنسیت نامزد دارای اهمیت است و هرکدام از نامزدهای مذکر و مؤنث واژگان جداگانه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند. این گویش‌ها عبارتند از: بلوچی (چابهار، سراوان)، سمنانی، لکی، گیلکی، شهربابکی. مثال (۵) تمایز جنسیت در نامزد را در گویش بلوچی سراوان نشان می‌دهد.

(۵) مؤنث: /deštār/ مذکر: /goastār/

در برخی از گویش‌ها نیز برای عده‌ی خاصی از خویشاوندان از واژگان مشترکی استفاده می‌شود؛ یعنی ممکن است دو یا چند رابطه‌ی خویشاوندی را به خود اختصاص دهند. واژگان مشترک در گویش‌های مورد مطالعه به صورت موارد زیر ارائه شده است.

واژه‌های مشترک در والدین همسر

در گویش‌هایی که در زیر نام برده شده‌اند، والدین همسر تنها با تمایز جنسیت مورد اشاره قرار می‌گیرند و تمایزی بین خانواده‌ی زن یا شوهر وجود ندارد؛ به عبارتی واژگان مورد استفاده برای پدرزن و پدرشوهر یکی است و همچنین برای مادرزن مادرشوهر نیز از یک واژه استفاده می‌شود. این گویش‌ها عبارتند از: ترکی (زنجان، تبریز، گرمی، درگز، کبودآهنگ)، ویدری، آشتیانی، ترکمنی، بلوچی (زاهدان، سراوان، چابهار)، بندرگناوه، اصفهانی، تاتی، سیستانی، بیرجندی، تربت حیدریه‌ای، قائنی، کردی (دهلران، سورانی، قروه، هورامی، مهابادی)، کرمانج (قوچان)، گلپایگان، بختیاری، بختیاری چهارلنگ، لری (خرم‌آباد، یاسوج، ممسنی)، سبزواری و بیدوی. مثال (۶) تمایز واژگانی این دو را در گویش تاتی نشان می‌دهد.

(۶)

مادرزن	}	/xasreg/	پدرزن	}	/xasra/
مادرشوهر			پدرشوهر		

واژه‌های مشترک در خواهر و برادر همسر

در معدودی از گویش‌ها برای خواهران همسر و برادران همسر از واژگان مشترکی استفاده می‌شود و فقط تمایز جنسیت مهم است. این گویش‌ها عبارتند از: بلوچی (چابهار، سراوان، زاهدان)، ترکی (درگز، گرمی، تبریز، زنجان، کبودرآهنگ)، کرمانج، تاتی، قائی، تربت حیدریه. مثال آن در گویش بلوچی زاهدان به صورت زیر است:

(۷)

برادرزن برادرشوهر	}	/vaserzahg/	}	خواهرزن خواهرشوهر	}	/doksič/
----------------------	---	-------------	---	----------------------	---	----------

ساده و ترکیبی بودن واژه‌های خویشاوندی

کاربرد واژه‌های ساده در روابط خویشاوندی نشان از میزان کاربرد و اهمیت افراد و نقش آنها به لحاظ اجتماعی در زندگی افراد دارد، به این صورت که عموماً هر چه واژه‌ای بیشتر مورد نظر باشد و به آن بیشتر ارجاع داده شود صورت خلاصه‌تر آن به کار می‌رود. به همین صورت واژه‌های خویشاوندی که به صورت ترکیبی و اضافی و حتی وصفی به کار می‌روند نشان می‌دهد که کمتر مورد نظر هستند. البته این مهم اگرچه نشان از محبوبیت عام دارد ولی شواهدی وجود دارد که نمی‌توان به صورت قطعی با میزان محبوبیت پیوند زد. بر این اساس، در گویشی که برای پدربزرگ به‌عنوان مثال از واژه ساده استفاده می‌شود، ارجاع به آن بیش از گویشی می‌باشد که صورت ترکیبی یا وصفی استفاده می‌کند. در این قسمت، واژه‌ها و اصطلاحات خویشاوندی را با توجه نوع واژه به کار رفته در گویش‌های مورد مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

پدر، مادر، خواهر و برادر

داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در همه‌ی گویش‌های مورد مطالعه برای اشاره به پدر، مادر، خواهر و برادر واژه‌های ساده به کار می‌رود. این وضعیت اصل کم‌کوشی در زبان سازگار است. چرا که این افراد بیش از سایر خویشاوندان مورد اشاره و خطاب قرار می‌گیرند. علاوه بر این، در برخی از گویش‌های مورد مطالعه، در خصوص اشاره به بعضی از سایر خویشاوندان نیز واژگان ساده به کار می‌روند. این نیز نشان می‌دهد که این خویشاوندان در این گویش بیش‌تر مورد اشاره و توجه می‌باشند.

واژه‌های هم‌عرض با والدین

در گویش‌های مورد مطالعه واژه‌های هم‌عرض با والدین یعنی عمو، دایی، خاله و عمه واژه‌های ترکیبی یا وصفی یافت نشده است و همه واژه‌های خویشاوندی به کار رفته ساده می‌باشند؛ اگرچه با افزایش گویش‌های مورد مطالعه در پژوهشی دیگر می‌توان انتظار داشت تعداد معدودی واژه‌های مرکب یافت شود. ساده بودن

واژه‌ها در این سطح نشان می‌دهد که این خویشاوندان هنوز در خانواده‌های ایرانی مورد توجه و اشاره می‌باشند.

پدربزرگ

در برخی از گویش‌ها، برای اشاره به پدربزرگ و مادربزرگ از واژه‌های ساده استفاده می‌شود. گویش‌های زیر از واژه‌های ساده برای پدربزرگ استفاده می‌کنند: تاتی، تالشی، اراکی، مَهر، ترکی (زنجان، درگری)، بیدوی، ترکمنی، لری (بهمنی، ممسنی، خرم‌آباد، یاسوج)، بختیاری، مازندرانی، خورانی، کرمانی، بلوچی (چابهار، سراوان، زاهدان)، میمندی، شهراباکی، کردی (کرمانشاه، دهلران)، راوری، بردسیر، سیرجانی و بافتی. مثال (۸) نمونه‌ای از واژه‌ی ساده پدربزرگ را در گویش خورانی و بختیاری نشان می‌دهد:

(۸). خورانی /ʔāqā/ بختیاری /bāwā/

مادربزرگ

در گویش‌های زیر نیز برای مادربزرگ از واژه‌های ساده استفاده می‌شود: بادرودی، بوشهری، جروق، بندرگناوه، شهراباکی، میمندی، بلوچی (چابهار، سراوان، زاهدان)، خورانی، دارابی، مازندرانی (شمس‌آباد)، بندرعباسی، سبزواری، تالشی، تاتی، لری (بهمنی، خرم‌آباد، یاسوج، ممسنی)، بختیاری، ترکی (درگری)، زنجان، ترکمنی، بیرجندی، سیستانی، گیلکی، کردی (ایلام، کرمانشاه، مهاباد، دهلران)، گیلکی، لاری، گاوکُشک، شوشتری، یزدی، سیرجانی، بیدوی، خوری، سرخه‌ای، راوری، خلاری. مثال آن را در گویش لری بهمنی و دارابی مشاهده می‌کنید:

(۹). لری بهمنی /nana/ دارابی /bibi/

والدین همسر

در گویش‌هایی که در زیر نام برده شده‌اند، در خصوص والدین همسر از واژگان ساده‌ای استفاده می‌شود: کردی (هورامی، سورانی، قروه، کرمانشاه، مهاباد)، کرمانج، بلوچی (زاهدان، سراوان، چابهار)، سیستانی، بیرجندی، تربت حیدریه، قائنی، بندرگناوه، تاتی، اصفهانی، شوشتری، بوشهری. مثال زیر نمونه‌ی آن را در گویش بیرجندی نشان می‌دهد:

(۱۰). پدرزن / پدرشوهر /xoser/ مادرزن / مادرشوهر /xaš/

پراکندگی این گویش‌ها بیشتر شامل شرق و غرب کشور می‌شود و گویش‌هایی که به لحاظ جغرافیایی در مرکز کشور قرار دارند، برای این روابط از واژه‌های ساده استفاده نمی‌کنند.

خواهر و برادر همسر

به همین ترتیب، در معدودی از گویش‌ها برای خواهر و برادر همسر از واژگان ساده‌ای استفاده می‌شود. این گویش‌ها عبارتند از: بلوچی چابهار، تاتی، ترکی (درگز، اردبیل، تبریز، کبودرآهنگ) و ترکمنی. مثال آن را در گویش ترکمنی مشاهده می‌کنید:

(۱۱). خواهرشوهر/خواهرزن /bāldiz/ برادرشوهر/برادرزن /yurje/

جاری و باجناق

گویش‌های زیر برای جاری و باجناق از واژگان ساده استفاده می‌کنند: ترکمنی، سنگسری، سرخه‌ای، لاسگردی، شهمیرزادی، کرمانج، همدانی، ساری، گلپایگانی، خوانساری. مثال آن در گویش شهمیرزادی به صورت زیر است:

(۱۲). جاری /yāri/ باجناق /bojo/

هوو

برای هوو (همسر شوهر)، شاید به دلیل حساسیتی که در این خصوص وجود دارد، در برخی از گویش‌ها از واژه‌های ساده استفاده می‌شود. این گویش‌ها عبارتند از: لری خرم‌آباد، همدانی، خوانساری، آشتیانی، ترکی قشقای، کردی (ایلام، قروه، سورانی، هورامی، دهلران)، لکی، انارکی، خاورانی، کرمانج (اسفراین)، بختیاری، بلوچی (چابهار، سراوان، زاهدان)، اراکی، تالشی، رشتی، شاهرودی، سرخه‌ای، لاسگردی، سنگسری، سمنانی، مازندرانی، شهمیرزادی، گیلکی، تاتی، ترکی (کبودرآهنگ، گرمی، زنجان، تبریز، درگز). مثال آن را در زیر در گویش‌های آشتیانی و رشتی مشاهده می‌نمایید:

(۱۳). آشتیانی /xava/ رشتی /ʔavesti/

علاوه بر موارد اشاره شده در این قسمت، برای سایر خویشاوندان از واژه‌های ترکیبی مانند: پدر زن، مادر شوهر، پسر عمو و... و یا اصطلاحات وصفی نظیر مادر بزرگ، پدر بزرگ، ننه خوبو و... استفاده می‌شود. در برخی از روابط خویشاوندی همیشه واژگان ترکیبی استفاده می‌شود. بر همین اساس، واژه‌های مورد استفاده برای اشاره به فرزندان خواهر و برادر (خواهرزاده و برادرزاده) و فرزندان و همسران عمو، عمه، دایی و خاله همیشه ترکیبی هستند و واژه‌ی ساده‌ای برای آنها در گویش‌های مورد مطالعه یافت نگردید.

نتیجه‌گیری

بررسی الگوهای خویشاوندی گویش‌های ایرانی نشان می‌دهد که الگوهای ارائه شده توسط مورگان جامعیت ندارند و اصطلاحات خویشاوندی تمام زبان‌ها و گویش‌ها در آنها نمی‌گنجند؛ چرا که در الگوی اصطلاحات خویشاوندی برخی از گویش‌های ایرانی انحراف از این الگو مشاهده گردید. همچنین، در مقایسه‌ی سه الگوی ایرانی متفاوت با سایر الگوهای ارائه شده توسط مورگان تطابق خاصی مشاهده نگردید. در نتیجه تمامی زبان‌های جهان در این الگوها دسته‌بندی نمی‌شوند و نیاز به تحقیق گسترده‌تر و ارائه‌ی الگوهای دیگر برای اصطلاحات خویشاوندی سایر زبان‌هایی است که با الگوهای موجود مطابقت ندارند.

در تمامی گویش‌های مورد مطالعه در خصوص خویشاوندان درجه اول یعنی پدر، مادر، خواهر و برادر واژه‌های ساده به‌کار می‌رود. همچنین در عموم گویش‌ها برای خویشاوندان هم‌عرض با پدر و مادر، یعنی

عمو، دایی، خاله و عمه واژه‌های ساده به کار می‌رود. برخی از روابط خویشاوندی همیشه واژگان ترکیبی را به خود اختصاص می‌دهند و برای آنها واژه‌ی ساده‌ای وجود ندارد. واژه‌های مورد استفاده برای اشاره به فرزندان خواهر و برادر (خواهرزاده و برادرزاده) و فرزندان و همسران عمو، عمه، دایی و خاله همیشه ترکیبی هستند، واژه‌ی ساده‌ای برای آنها وجود ندارد.

بررسی ساخت واژگان خویشاوندان سببی نشان داد که در برخی از گویش‌ها برای برخی از خویشاوندان سببی به لحاظ نقش و اهمیت آنها واژه‌های ساده کاربرد دارد. این خویشاوندان شامل پدرشوهر، پدرزن، مادرشوهر، مادرزن، برادرشوهر، برادرزن، و در پاره‌ای از موارد خواهرشوهر و خواهرزن می‌شوند.

در اکثر گویش‌های مورد مطالعه واژه‌ای که برای اشاره به همسر دوم شوهر (هوو) استفاده می‌شود، واژه‌ای ساده است. این واژه‌ی ساده حاکی از اهمیت نقش این فرد یا صمیمیت با وی نیست، بلکه بیشتر می‌تواند به خاطر منفی بودن نقش آن در خانواده باشد.

هرکدام از روابط خویشاوندی که واژگان ترکیبی به خود اختصاص می‌دهند، از الگوی خاصی در ترکیب استفاده می‌نمایند، که این الگوها می‌توانند موضوع مجزایی برای مطالعه‌ی واژگان خویشاوندی باشند.

منابع

- اشرفی خوانساری، مرتضی (۱۳۸۳)، گویش خوانساری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، مسائل زبانشناسی نوین، تهران: آگاه.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، زبان و تفکر، تهران: آبانگاه.
- بییتس، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۷۵)، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- دانشگر، احمد (۱۳۷۴)، فرهنگ واژه‌های رایج تربت حیدریه، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- دهقانیان، عباس (۱۳۸۶)، فرهنگ جامع زبان و گویش نطنز، تهران: انتشارات پَرشکوه.
- زاهدی، کیوان (۱۳۸۸)، خویشاوندی در خانواده و بازتاب آنها در زبان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۱۹، صفحات ۲۸۱-۳۰۸.
- زمردیان، رضا (۱۳۸۵)، واژه‌نامه گویش قاین، تهران: نشر آثار.
- ستوده، منوچهر (۱۳۴۲)، فرهنگ سمنانی - سرخه‌ای - لاسگردی - سنگسری - شه‌میرزادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سَریزدی، محمود (۱۳۸۰)، واژه‌ها و اصطلاحات لهجه‌ی سیرجانی، تهران: نشر آثار.
- عبدلی، علی (۱۳۶۳)، فرهنگ تاتی و تالشی، تهران: انتشارات دهخدا.
- غیائی گلپایگانی، جواد (۱۳۷۸)، فرهنگ عامه‌ی گلپایگان، تهران: انتشارات علم و ادب.
- فرامرزی، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ فرامرزان، تهران: سازمان چاپ خواجه.
- کیا، صادق (۱۳۵۵)، گویش آشتیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مرادی، نیلوفر (۱۳۸۶)، فرهنگ گویش خُلاری، تهران: انتشارات کاکتوس.
- مزداپور، کتابون (۱۳۷۴)، واژه‌نامه‌ی گویش بهدینان شهر یزد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ملک‌زاده، محمدجعفر (۱۳۸۰)، واژه‌نامه‌ی لهجه‌ی فارسی مردم زرقان فارس، تهران: نشر آثار.
- نیرومند، محمدباقر (۲۵۳۵)، واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان ایران.
- Al-Sahlani, Q. A & Al-Husseini, H.A. (2010), Kinship Terms in English and Arabic: A Contrastive Study, University of Babylon, Vol.18.
- Deghani, Y. (2009), Challenges in Translating Culturally Loaded Words and Phrases, International education research conference: Canberra: papers collection.
- Morgan, L.H. (1871), Systems of Consanguinity and Affinity of the Human Family, Washington: Smithsonian Institution.
- Trudgill, P. (1983), Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society, New York: Penguin Publication.
- Wardhagh, R. (1990), An Introduction to Linguistics, Cambridge: Basil, Blackwell Ltd.